



شنبه 3 فروردین 1398 - 16 رجب 1440 - 23 مارس 2019

صدور اعلامیه امام خمینی(ره) در واکنش به تهاجم مزدوران پهلوی به مدرسه فیضیه (1342 ش)

صدور اعلامیه امام خمینی(ره) در واکنش به تهاجم مزدوران پهلوی به مدرسه فیضیه (1342 ش)
عصر روز سوم فروردین 1342 و پس از حمله مزدوران رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه قم، منزل امام خمینی، مرکز اجتماع مردم و روحانیان مبارز شد. امام پس از اطلاع از جریان تهاجم به مدرسه فیضیه با انتشار اعلامیه¹، رژیم را رسوا کرده و فتوای مهم خود را صادر نمودند. ایشان با شجاعت خاص خود به افرادی که مردم را با سلاح تقیه به سکوت فرا می²خواندند به فریاد و حضور در صحنه دعوت کرده و عنوان داشتند: "تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است ولو بلغ ما بلغ" (تا هرکجا که مشکل باشد یا هرچه بشود مهم نیست) در این اعلامیه، شاه دوستی برابر با غارتگری، ضربه زدن به بیکر قرآن و اسلام و تجاوز به مراکز علم و دانش و... معرفی شده است.
تاج³گذاری⁴ "آغا محمد خان قاجار" در تهران و آغاز پایتختی این شهر (1175 ش)

پس از لشکرکشی آغامحمدخان قاجار به قفقاز و تسلط بر آن نواحی، مخالفان وی همگی یا به اطاعت از خان قاجار گردن نهادند یا سرکوب شدند. در این موقع، وی زمینه را برای اعلام مقصود اصلی⁵ش مناسب دید و در نوروز سال 1175 ش برابر با دوازدهم رمضان 1210 ق، در تهران، به نام پادشاه ایران و سرسلسله پادشاهی قاجار تاج⁶گذاری کرد. از همان روز، شهر نوپای تهران، که در حدود 25 الی سی هزار نفر جمعیت داشت و بیش از نیمی از آنان سربازان آغامحمدخان قاجار بودند، به عنوان مرکز کشور و پایتخت رسمی دودمان قاجار اعلام شد. آغامحمدخان، با آرزوهای دور و دراز خود و جویندگی مقام خلافت اسلامی، تهران را دارالخلافه نامید. نزدیک بودن به محل ایل قاجار در استرآباد مازندران، موقعیت جغرافیایی شهر به لحاظ قرار گرفتن در مرکز ایران و محدود شدن کوه در سه طرف، از جمله دلایل اصلی انتخاب تهران برای پایتختی قاجار بود. آغامحمدخان در طول سالیان فرمانروایی خود، قبل و بعد از تاج⁷گذاری⁸، جنایات متعددی مرتکب شد و انسان⁹های بی¹⁰شماری را به کام مرگ فرستاد. تا این که دو سال بعد در یکی از لشکرکشی¹¹هایش به گرجستان توسط دو تن از خدمتکارانش کشته شد.
تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله¹² "حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی" (1301 ش)

اندیشه تأسیس حوزه علمیه قم ریشه در روایات امامان معصوم به ویژه امام صادق(ع) داشت و در طول قرن¹³ها، این نوید امامان بزرگوار شیعه بود که همواره زبان به زبان نقل می¹⁴شد و در ذهن شیعیان جای می¹⁵گرفت. تا این¹⁶که در فروردین 1301 ش در جلسه¹⁷ای که علمای قم و آیت¹⁸الله حائری یزدی، در آن شرکت داشتند، گفتگو پیرامون تأسیس این حوزه شکلی جدی به خود گرفت. پس از تفأل به قرآن، سرانجام با حمایت علما، کسبه و مردم، حوزه علمیه قم به دست توانای مرجع بزرگوار تقلید، حضرت آیت¹⁹الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سوم فروردین 1301 ش (1341 ق) تأسیس شد. شکوه و عظمت حوزه علمیه قم از آغاز تا به امروز، هر سال چشمگیرتر از گذشته در عرصه²⁰های مختلف نمود داشته است و پرتو آثار وجودش، افق²¹های جدیدی از دورترین نقاط این عالم را در نور دیده است. این حوزه باشکوه، گذشته از این که بزرگ²²ترین دانشگاه علوم اسلامی است، در رشته²³های فقه، اصول، حقوق، عرفان، فلسفه، اقتصاد، تفسیر، کلام و... پاسخگوی نیازهای اجتماعی، فرهنگی و فکری جامعه نیز بوده و هست. حوزه علمیه قم در طول عمر با برکت خود، صدها عالم، فقیه، مفسر، اصولی و محقق و مؤلف را در خود پرورش داده و همچون چشمه²⁴ای روحانی، تشنگان علم و حقیقت را سیراب می²⁵سازد.

وقوع جنگ "چالدران" بین قوای صفوی و عثمانی در نزدیکی تبریز (920 ق)

پس از روی کار آمدن سلطان سلیم اول، رابطه²⁶ای ایران و عثمانی رو به تیرگی بیشتر نهاد. او به سمت نواحی غربی ایران لشکرکشی کرد و در سال 920 ق جنگ سختی در چالدران از نواحی ماکو بین شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی روی داد. شاه اسماعیل که قسمت اعظم قشونش در آسیای مرکزی مشغول جنگ با ازبکان بودند، تصمیم به جنگ تدافعی گرفت، زیرا نیروهای عثمانی دو برابر قوای ایران بود. در ابتدای جنگ، پیروزی با سپاه ایران بود، ولی به علت کثرت نیروهای عثمانی، شکست بر ایران، مستولی شد و با کشته شدن سرداران ایرانی و اسارت حرم شاه، اسماعیل صفوی مجبور به عقب²⁷نشینی گردید. در این جنگ سه هزار عثمانی و دو هزار ایرانی کشته شدند ولی علت اصلی در شکست شاه اسماعیل، وجود توپخانه²⁸ی عثمانی بود که جنگ را به نفع ترک²⁹ها به پایان رساند. پس از عقب نشستن سپاهیان صفوی، سلطان سلیم تبریز را اشغال کرد، ولی به زودی بر اثر مقاومت ملی، مجبور شد تبریز و آذربایجان را تخلیه کند. گویند پس از این واقعه، کسی شاه اسماعیل را خندان ندید.
تولد "پیر لاپلاس" فیزیک³⁰دان و اخترشناس فرانسوی (1749 م) (ر.ک: 5 مارس)

پیر سیمون لاپلاس (متولد ۲۳ مارس، ۱۷۴۹ در نورماندی؛ درگذشت ۵ مارس ۱۸۲۷ در پاریس)، ریاضی دان، فیزیک دان، اخترشناس و فیلسوف فرانسوی بود، که برای تکمیل مکانیک آسمانی بسیار همت گذاشت. اولین مسئله مورد توجه

لاپلاس دنبال نمودن کار نیوتن بود زیرا نیوتن قانون اصلی مکانیک آسمانی را یافته بود و لاپلاس می خواست این قانون را در مورد تمام اجسام منظومه شمسی به کار برد. لاپلاس شروع به تعیین قوانین مکانیک سیارات کرد تا نشان دهد که این اجسام مانند سایر اجسام تابع قوانین فیزیکی هستند. اولین موضوعی که لاپلاس نزد خود مطرح می کند موضوع ثبات دستگاه شمسی است که آیا به وضعی که داراست می ماند یا بالاخره ماه روی زمین سقوط می کند و سیارات بر جرم خورشید پرتاب شده و معدوم می گردند. نیوتن هم این سؤال را مطرح کرده بود و به این نتیجه رسیده بود که باید گاهی دست خداوند در کار بیاید و حرکات آنها را به جریان عادی برگرداند ولی لاپلاس گفت اگرچه وضع سیارات نسبت به خورشید تغییر می کند ولی این تغییرات تناوبی است. لاپلاس تمام این اکتشافات را تحت عنوان «مکانیک آسمانی» منتشر ساخت ولی چون فهم مطالبش برای همه کس مقدور نبود لذا تصمیم گرفت کتابی دیگر بنویسد که مردم عادی هم از آن بهره مند گردند. این کتاب تحت عنوان «شرح دستگاههای جهانی» منتشر شد. لاپلاس علاوه بر نجوم و ریاضیات استادی عالیقدر در علم فیزیک بود و درباره لوله های موئین و انتشار امواج صوتی مطالعه فراوانی داشت. از مهم ترین آثار لاپلاس «تئوری تحلیلی احتمالات» را که در سال ۱۸۱۲ نوشته است می توان نام برد. لاپلاس را که دانشمندی بی همتا می توان گفت متأسفانه نسبت به تمام حکومتهایی که پی در پی عوض می شدند تملق می گفت و از آنها استفاده می کرد در مقابل ناپلئون تا زانو تعظیم می کرد و به همین علتها بود که از طرف امپراتور به مقامهای کنت- سناطور- ریاست مجلس سنا انتخاب شد با وجود اینها وقتی ناپلئون اسیر شد به او پشت کرد و به عزلش رأی داد و خود را در دامن لوئی هجدهم انداخت و از طرف او به سمت رئیس کمیته تجدید تشکیلات مدرسه پلی تکنیک و عضو مجلس اعیان انتخاب شد. لاپلاس با تمام این اوصاف جوانان را تشویق و کمک می کرد به طوری که روزی یکی از اکتشافات جوان ناشناسی به نام «بیو» از طرف آکادمی مورد تمجید قرار گرفت او را نزد خود خواند و معلوم گردید لاپلاس قبلاً این اکتشاف را مورد مطالعه قرار داده است. لاپلاس اواخر عمر را در «آرکوی» نزدیک پاریس در عمارت ییلاقی خود که نزدیک برتوله بود گذراند.